

پولاد

ویژه

نگاهی به طراحی مشکوک پوشش
«طرفداران تیم ملی»

لباس هویت خواهی یا تجزیه طلبی؟



مینوفانی
روزنامهنگار

لباس هواداران تیم ملی فوتبال کشور به نام «پیروز» شنبه رونمایی شد. طرح این لباس که بر تن جامه (تی شرت)، مچ‌بند، سربند و یک کلاه نقش بسته است، تصویر دو یوز ایرانی به رنگ‌های سبز و سرخ رودر روی هم با دهن‌های گشوده در حالی که جنگ و دندان به هم نشان می‌دهند بر زمینه سفید است که در تن جامه آن همچون نواری بر روی سینه قرار می‌گیرد. در پایین این تصویر، یک نقشه بسیار کوچک ایران قرار دارد و تصویر استان‌های مختلف کشور که برخی از آنها از نقشه اصلی ایران بزرگ‌تر است) به طور مجزا و پراکنده به رنگ طوسی بر زمینه سفید نقش بسته است!

هر بیننده‌ای با تماشاای این ترکیب و با تداعی اغتشاشات تجزیه طلبانه معنی آن را دریافت می‌کند اما سیدمجید امامی، رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس و دبیر شورای فرهنگ عمومی در مراسم رونمایی از این لباس گفته: «در رابطه با لباس رسمی تیم ملی فوتبال، کاراکتر یوز و «پیروز» و چیزی که منتسب به ایران باشد، نداشتیم! از این رو، با الزام ستاد فرهنگی - رسانه‌ای جام جهانی به کارگروه مد و لباس، این طرح از میان ایده‌های برگزیده رویداد «لباس طرفدار ایرانیتم» برای لباس طرفداری تیم ملی انتخاب شد!»

این دومین بار است که روی لباس مرتبط با تیم ملی فوتبال نقشی غیر از پرچم کشور نقش بسته است، چیزی در که در مورد کشورهای دیگر تقریباً رویت شده است. این‌که چرا طراحان لباس برای هواداران تیم ملی فوتبال روندی خلاف روند رایج و معمول دیگر کشورها در پیش می‌گیرند؟ سوال مهمی است. اینکه هر طرح و نقشی بر هر تولیدی اعم از پوشاکی و خوراکی و تزیینی و... نشان از هدف طراح دارد که فرزندانش (استان‌ها) هر کدام در جایی پنهان کند یکی از مهمترین بدیهی ترین نکات طراحی است و از آن به نمادپردازی یاد می‌شود. هنرمند گرافست در قواره طراحی لباس طرفداران تیم ملی قطعاً هنرمندی است که به معنای ضمنی نمایه، ناماد، نماد و شمایل‌ها آگاه است و به معناسازی و معنایپردازی آنها و قوف کامل دارد.

سوال اینجاست که رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس و دبیر شورای عمومی کشور و هیات انتخاب طرح پیشنهادی، آیا معنای یوز دهان گشوده ایرانی آن هم رو به روی هم را نمی‌داند، یعنی نمی‌داند این خشم و عصبیت و رودر روی قرار گرفتن نشانه چیست؟ آیا این جماعت نمی‌داند استان‌های مجزا و پراکنده کشور نشانه تجزیه طلبی است؟ آیا نمی‌داند امروز با اتحاد و اقتدار یک ملت را به نمایش گذاشت؟ آیا تصویر ایران مظلوم در گوشه‌ای به رنگ طوسی غمگین افتاده و فرزندانش (استان‌ها) هر کدام در جایی پراکنده شده‌اند تصویر درستی از ایران است که بخواهیم به جهان نشان دهیم؟

آیا مسوولان واقعا معنای ضمنی این فرم و رنگ را در نیافته‌اند که به تولید انبوه آن در فرم‌های مختلف تی شرت و مچ بند و غیره مجوز داده‌اند؟ رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس گفته است: «طراح این لباس توانسته است، تصویرمایه‌ای از یوز ایرانی را به پنهان استان‌های ایران در این لباس بیاورد و جوانان ایرانی با پوشیدن این لباس در ایام بازی‌های تیم ملی ایران می‌توانند فضای انسجام، هویت خواهی و حمایت از تیم ملی را با شعار «تا پای جان برای ایران» که شعار رسمی تیم ملی فوتبال ایران است، منتقل کنند.»

در جامعه‌شناسی هنریک جمله کلیدی وجود دارد که می‌گوید «هر اثر هنری به تعداد مخاطبانش خوانش می‌شود» و این یعنی هر کس بر اساس تجربه زیسته خود و نگاه و جهان بینی و ایدئولوژی‌اش آثار هنری را معنا می‌کند و هیچ اثری نیست که هنرمندش یا دست‌اندرکاران خلقش به آن الصاق شوند تا معنایی را که در ذهن آنها بوده، به مخاطبان بگوید.

در شرایطی که اتفاقات ایران امروز سرتیتر خبر همه کشورهای جهان شده است و تقریباً همه کشورهای آن آب‌گل آلود ماهی خود را صید می‌کنند و اتفاقاً سردمداران اغتشاشات تجزیه طلبان هستند، نباید در همه امور دقت مضاعف داشته باشیم؟ این همان دیپلماسی فرهنگی است. در روزهای آینده که مسابقات فوتبال شروع و قطر سرتیتر خبرها شود، همه جهان چشم‌شان به این گوشه دنیا و اتفاقات آن خواهد بود. حضور ما در این اتفاقات باید آبی بر آتش دشمن باشد، باید نشانه اتحاد باشد، باید نشانه همبستگی باشد، نه آن‌که هواداران فوتبال لباسی بر تن کنند که نشان از تجزیه طلبی و عصبیت دارد.



محمد رضا داوودنژاد، دوران مبارزات خود را برای نخستین بار در روزنامه «جام‌چم» تشریح کرد

روزگار پرخطر یک چریک هنرمند

از آموزش فتح تا همراهی چمران در پايه و...

کدام بازیگران ادامه دهنده حضور همکاران درگذشته‌شان بودند؟

نقش‌هایی که زنده ماندند

رسانه
۷

ویژه

تهیه‌کننده برنامه «کارخونه»

تجربه موفق صاحبان مشاغل خانگی را تکثیر می‌کنیم



صورت‌های جوان و دل‌های پیر!

چرا می‌خواهیم جوان‌تر به نظر بیاییم
اما به فکر سلامتی‌مان نیستیم؟



چاپوش همخوانی - جام‌چم

«روایت زن ایرانی» شعار محوری سیزدهمین دوره این رویداد سینمایی و مردمی است

«آرمان» صیانت‌کننده جشنواره فیلم عمار

فرهنگ
۱۰

گزارش

مسیری که بدون حجاب طی شد

دوران بردگی نوین در هالیوود



بازیگری‌شان می‌شد، بیش از هر یک از دیگر عوامل فیلم‌ها، آنها را بسازان بردگان استودیوها و کمپانی‌ها درمی‌آورد. در حالی که خود این بردگان بر دیگر عوامل یک فیلم همچون کارگردانان حاکم بودند و کارگردان‌ها و نویسندگان نیز در خدمت این طبقه قرار داشتند. از همین روی بود که بازیگری همچون کلارک گیبل (همان رت باتلر) در فیلم برپا رفته برای برتری نقش خودش در فیلم، باعث شد برای فیلم چند کارگردان تغییر کنند یا همفری بوگارت در فیلم شاهین مالت با شکایت از جان هوستن جوان به تهیه‌کننده‌اش شک و اوارتدید کرد دیگر هیچ‌گاه بالای حرفش، سخنی نگویید، گرنه از استودیو اخراج خواهد شد. همچنین استنلی کوپربریک معروف دوران کارگردانی فیلم اسپارتاکوس را از سیاه‌ترین دوران فیلمسازی خود دانست، چرا که در آن فیلم بیش از هر فردی تحت فرمان کرک داگلاس، بازیگر نقش اول فیلم قرار داشته‌است! اما ایک و در قرن بیست و یکم آن هرم بردگان هالیوود طور دیگر خود را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که تهیه‌کنندگان و صاحبان استودیوها، خود را مالک، صاحب و ارباب بردگان خود از جمله بازیگران دانسته و تحقیرکننده‌ترین تعرضات را علیه آنها روا می‌دارند.

نشریه فرانسوی: ماهمچنان در قرن نوزدهم زندگی می‌کنیم!

هفته‌نامه فرانسوی «لوپس» ۲۰۱۷ اکتبر ۲۰۱۷ در بخشی از این بردگی نوین پرداخته‌است. این هفته‌نامه معتبر به دنبال اعتراضات فراوان زنان اروپا و آمریکا علیه سیستم فحشای رسمی در هالیوود، در مقاله‌ای با عنوان «سکوت! تجاوز می‌کنیم» (بر مبنای جمله معروف کارگردان‌ها هنگام آغاز فیلمبرداری که می‌گویند «سکوت! ضبط می‌کنیم») به موج حیرت‌زدگی در هالیوود اشاره می‌کند که با وجود همه ادعاهای حقوق بشری، آذهان جهانیان، خصوصاً آنان که سال‌ها مخاطب فیلم‌های هالیوودی بوده‌اند و امروز نیز بر این باورند که از دوران قرون وسطی فاصله گرفته‌ایم، در برابر این سؤال جدی قرار دارند که چگونه در قرن بیست و یکم می‌توانند چنین رویکردهای برده‌داری

برش

ما چرا از کجا آغاز شد؟

رهبر معظم انقلاب درباره سابقه حجاب و پوشش در غرب در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در ۱۷ اسفند ۹۶ در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم السلام) می‌فرمایند: «... تا آنجا که ما خبر داریم و مطلع هستیم، تا ۱۵۰ سال قبل، البته حجاب به معنای اسلامی در آنجا (غرب) نبود اما ولنگاری، برهنگی و بی‌بندوباری، مثل امروز در زن غربی وجود نداشت. این‌که این چه سیاستی است که جامعه غربی را به این سمت کشانده و هدفش چیست، جای بحث‌های طولانی و مفصل دارد...»

یک تجربه آکادمیک و علمی می‌گوید، برای یافتن راه درمان، ابتدا باید ریشه‌های درد را شناخت. این‌که درد از کجا آمده و چگونه آغاز شده‌است، آنچه امروز نیز در جامعه غربی به عنوان یک واقعیت دردناک روح و روان این جوامع را مورد تعرض قرار داده نیز آغاز و شروعی داشته‌است. این شروع و آغاز از چه زمانی و با چه عناصر و عواملی بوده‌است؟

واقعیت این است که براساس اسناد و مکتوبات و تصاویر برجای مانده و موجود از تاریخ غرب، روشن است که این بخش از جهان بشریت از آغاز چنین گرفتار فساد و تباهی نبود و حتی غرب جدید نیز در سده‌های آغازین، موجودیتش اساساً با چنین سیاه‌روزی‌ای فاصله بسیار داشت. وقتی نگاهی به عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌اندازیم که می‌توانند اسنادی غیرقابل تردید از برهه تاریخی ابتدای شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا باشند، متوجه فاصله بسیار زیاد نحوه پوشش و ارتباط میان زن و مرد نسبت با آنچه امروز در این جامعه وجود دارد، می‌شویم.

فیلم‌هایی که نشان می‌دهد، زنان کاملاً از پوشش سرتاپایی برخوردار بوده و حتی بعضاً روسری، کلاه یا پوششی هم روی سر خود نهاده‌اند و در فیلم‌های سینمایی هیچ‌گونه رابطه فیزیکی یا نامتعارفی بین زنان و مردان دیده نمی‌شود؛ یعنی همان روابطی که امروز بدون هیچ‌گونه توجیه دراماتیک، تصاویرشان در فیلم‌ها و فوریه چشم می‌خورد.

رهبر معظم انقلاب طی بیاناتی در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد به تاریخ ۱۳ ماه ۸۶ درشاره وضعیت اروپا و غرب دو سه قرن پیش به لحاظ حجاب و پوشش فرمودند: «... در گذشته، در قدیم، در همین اروپا تا ۳۰۰-۲۰۰ سال پیش زن‌های اعیان و اشراف حجابی روی صورت‌شان می‌انداختند؛ در بعضی فیلم‌های قدیمی شاید دیده‌باشید. یک حجاب می‌انداختند که چشم‌ها روی آنها نیفتد. این، تکریم‌است...»

برش
پنجم